


## عزم خوب زیستن



در مرحله‌ی اوّل دانستیم که هدف اصلی زندگی ما رسیدن به خوبی‌ها و زیبایی‌های ماندگار و جاویدان است و دریافتیم که مجموعه‌ی این زیبایی‌ها در خدای متعال جمع است و در حقیقت، او محبوب و مقصود و هدف زندگی ماست. هرکس این هدف را دریابد و زندگی خود را صرف رسیدن به آن کند، زندگی لذت‌بخش و مطمئنی را برای خود به وجود خواهد آورد و از سردرگمی نجات خواهد یافت.

اما دانستیم که تصمیم‌گیری و حرکت به سوی هر هدف شناخته‌شده‌ای نیازمند ایمان به آن هدف نیز هست و تلاش کردیم راه‌های ایمان به محبوب و مقصود زندگی خود را بشناسیم و آن راه‌ها را پیماییم.

اکنون به مرحله‌ی تصمیم‌گیری و عزم برای عمل رسیده‌ایم. بنابراین لازم است بدانیم:

– حقیقت عزم و تصمیم چیست؟

– تصمیم‌های ما باید درباره‌ی چه چیزهایی باشد؟



آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

.....

فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ

.....

ممتحنه، ۴

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا

و کیست از جهت دین نیکوتر

مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ

از آن که روی خود را تسلیم خدا کرده

وَهُوَ مُحْسِنٌ

.....

وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا

و از آیین ابراهیم حقگرا پیروی کرده است

وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا

.....

نساء، ۱۲۵

وَمَنْ يَرْغَبْ

کیست که روی بگرداند

عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ

.....

إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ

مگر آن که نابخردی پیشه کند

بقره، ۱۳۰





با استفاده از توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

حَسَنَةً: نیکو، خوب      مَلَّةً: کیش، آیین      أَوْفَى: وفا کند  
 فَسَيُؤْتِيهِ = فَ + سَ + يُؤْتِي + ه: به‌زودی به او خواهد داد  
 حَلِيل: دوست      يَشْتَرُونَ: می‌فروشند      يُكَلِّمُ: سخن می‌گوید  
 يَنْظُرُ: نگاه می‌کند      اصْبِر: صبر و پایداری کن  
 تَصْبِرُوا: پایداری کنید      يُزَكِّي: پاک می‌گرداند

### بیشتر بدانیم

هزاران سال پیش، در شهر حیره، در سرزمین بین‌النهرین، جوانی رشید و برومند به نام «ابراهیم» به ماه و خورشید و ستاره‌پرستان چیزی گفت که هنوز هم جان را شیفته و قلب را مجذوب می‌کند.

«من هر چه را که افول کند و پایان پذیرد دوست ندارم.»

این جوان در نوجوانی نیز به گونه‌ای دیگر فکر خود را به دیگران ابراز کرده بود. او که در آن روزها «تصمیم خود را گرفته» و «عزم» را جزم کرده بود تا زندگی خود را بر پایه‌ی عشق به خدای یکتا بنا کند و دل به آن محبوب لایزال ببندد، سرپرست و عموی خود «آزر» را از بت‌پرستی و ساختن بت‌ها برحذر داشت، به بتخانه‌ی نمرودیان درآمد و بدون ترس از آتش خشم نمرود، همه‌ی بت‌ها، جز بت بزرگ را شکست و آنان را به ناتوانی بت‌ها آگاه کرد. پس از آن که آتش بزرگ نمرود بر او گلستان شد، از شهر نمرودیان، «بابل»، هجرت کرد و برای اقدامی به عظمت تمام تاریخ، رهسپار سرزمین‌های دور شد. او تنهای تنها گام در بیکرانه‌ی صحرا گذارد، بیابان‌ها، دره‌ها، کوه‌ها و دشت‌ها را پیمود تا به سرزمین فلسطین رسید. سالیانی دراز مردم را به بندگی خدای یگانه فرا خواند و درخت توحید را در این سرزمین تناور نمود.

پس از سال‌ها درنگ در فلسطین، به فرمان خداوند، عازم سرزمین مکه شد و با گذر از بیابان وسیع عربستان و تحمل سختی‌های فراوان به وادی مکه رسید و پس از سال‌ها خانه‌ی خدا را تجدید بنا کرد و آن جا را مرکز توحید قرار داد. وقتی گرد پیری بر چهره‌اش نشسته و به دیوار کعبه تکیه داده بود، شادابی و آرامش و رضایت به‌خوبی در نگاهش هویدا بود.

گویا به‌روشنی می‌دید که از نسل فرزندش اسحاق، پیام‌آوران بزرگی چون موسی و عیسی ظهور کرده‌اند و آیین او را به دیگر جهانیان رسانده‌اند و از ذریه‌ی فرزند دیگرش اسماعیل، پیامبری بزرگ به نام «محمد» ﷺ آمده است و توحید را تا دوردست‌های کره‌ی خاک گسترش داده است.

به یاد آن تصمیم در نوجوانی می‌افتاد و خاطرات پرفراز و نشیب یک زندگی طولانی را از نظر می‌گذراند و از پایداری‌ها و موفقیت‌های خود شادمان می‌شد، اما از غرور در او خبری نبود. اکنون او نیز «محبوب» خدا شده بود؛ و خداوند او را «دوست خود» می‌خواند و با او نجوا می‌کرد. آیا لذتی بالاتر از این هست که خداوند به انسانی بگوید «من تو را دوست دارم»؟

چه زندگی موفقیت‌آمیزی! چه عزم قوی و چه اراده‌ی محکمی! چه سرمشق زیبایی! اکنون نوبت ماست. لحظه‌ای درنگ، اندکی تأمل با خود؛ آیا هریک از ما نمی‌توانیم به نسبت خودمان در تصمیم بزرگ ابراهیم شریک شویم؟ چرا، می‌توانیم! پس ای خدای مهربان! به ما کمک کن تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن بهترین تصمیم زندگی‌مان را بگیریم.





در آیات ابتدای درس بیندیشید و با ارتباط برقرار کردن میان آن‌ها و با توجه

به زندگی‌نامه‌ی کوتاه حضرت ابراهیم علیه السلام به سؤالات زیر پاسخ دهید.

سؤال	پاسخ	آیه و زندگی‌نامه
۱- در این آیات چه فضیلت‌ها و کرامت‌هایی برای حضرت ابراهیم ذکر شده است؟	۱- ..... ۲- ..... ۳- ..... ۴- ..... ۵- ..... ۶- .....	
۲- آیا این خوبی‌ها و کرامت‌ها اختصاص به ابراهیم <small>علیه السلام</small> یا پیامبران دارد؟	..... .....	
۳- این خوبی‌ها و کرامت‌ها، نتیجه‌ی دو موفقیت بزرگ در زندگی ایشان بود. آن دو موفقیت کدام‌اند؟	موفقیت فردی : ..... موفقیت اجتماعی : .....	برگرفته از زندگی‌نامه
۴- این موفقیت‌ها را به‌خاطر داشتن کدام ویژگی‌ها و انجام کدام کارها به‌دست آورده بود؟	۱- عزم و تصمیم بزرگ ..... ۲- ..... ۳- ..... ۴- ..... ۵- ..... ۶- .....	
۵- اگر کسی بخواهد در برنامه‌ی زندگی، ابراهیم را اسوه قرار دهد، چه باید بکند؟	۱- ..... ۲- ..... ۳- ..... ۴- .....	
۶- چرا اگر کسی حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> را اسوه قرار ندهد، خداوند او را نادان می‌شمرد؟	..... .....	
۷- لازمه‌ی وفای به یک عهد و موفقیت در انجام یک پیمان چیست؟	۱- ..... ۲- .....	
۸- آنان که در زندگی پیمان‌های خود با خدا را می‌شکنند به چه عاقبتی دچار می‌شوند؟	۱- ..... ۲- ..... ۳- ..... ۴- .....	

### تصمیم برای یک زندگی هدفدار

یکی از محورهای اصلی در پیام‌ها، داشتن عزم و تصمیم برای آغاز یک زندگی موفق است. عزم به معنی اراده، قصد و آهنگ به سوی هدفی است. آدمی با عزم و اراده‌ی خود آنچه را انتخاب کرده عملی می‌سازد. به همین جهت عزم، ظهور گوهر انسانیت، یعنی اختیار است و تفاوت

درجات انسان‌ها به درجات عزم آنهاست.<sup>۱</sup> استواری، اعتماد، شکیبایی و تحمل سختی‌ها از آثار عزم قوی است. داستان زندگی رسولان خدا گواه این مدعاست. کار بزرگ عزم بزرگ می‌طلبد. آنان که فاقد عزم و اراده‌اند، در مقابل وزش تندباد حوادث تاب نمی‌آورند و سرنوشت خود را به دست آن حوادث می‌سپارند. قدم گذاشتن در راه زندگی سعادت‌مندانه نیز نیازمند عزمی قوی است که در فراز و نشیب حوادث سست نشود و عازم راه را تنها نگذارد. به همین جهت بعد از سفارش‌هایی که لقمان حکیم به فرزندش می‌کند و راه و رسم زندگی را به او نشان می‌دهد، می‌گوید:

وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ  
بر آنچه به تو می‌رسد استقامت کن که این از عزم و اراده‌ی در کارهاست.  
لقمان ۱۷

### عهد و پیمان با خدا

کسی که راه سعادت را شناخته است و می‌خواهد در مسیر هدایت قدم گذارد، با خدای خود پیمان می‌بندد که در این راه ثابت قدم بماند و با عزمی استوار بر سر پیمان خویش بایستد. چقدر زیباست که خداوند، راه سعادت ما را قرین رضایت خود ساخته است؛ یعنی وقتی خدا از ما راضی خواهد بود که ما در مسیر سعادت و خوشبختی گام برداریم؛ و آن‌گاه از ما ناخشنود خواهد بود که شقاوت و ناامیدی بر ما سایه افکنده باشد. پس عهد ما با خدا، هم رضایت او و هم سعادت و رستگاری ما را به دنبال دارد.

اما از کجا بدانیم که آنچه خداوند، در مسیر بندگی و تکلیف، از ما می‌خواهد فقط برای سعادت ماست؟ در پاسخ باید گفت: او در کمال بی‌نیازی است و نقصی ندارد که بخواهد با درخواست از ما، آن را برطرف کند و همچنین ما هم چیزی از خود نداریم که تقدیم خدا کنیم، بلکه هرچه داریم از اوست. چون او سعادت ما را می‌خواهد، آگاهمان می‌کند که: می‌خواهم این راه را بروید، چون می‌دانم سعادت شما در این راه است. پس رضایت خدا در سعادت ما، و اطاعت از او راه سعادت ماست. از این رو می‌توان گفت:

میزان دینداری ما به میزان وفاداری ما به عهد و پیمانی است که با خدا بسته‌ایم. هر قدر در پیمان خود استوارتر باشیم، دینداری ما نیز کامل‌تر خواهد بود.

۱- امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۷



با اندیشه در آیاتی که خواندید و با استفاده از تجربیات خود، ویژگی‌های انسان‌های صاحب عزم و با اراده را با ویژگی‌های مردم بدون عزم و سست اراده مقایسه کنید و فرق آن‌ها را با یکدیگر مشخص نمایید.

انسان‌های فاقد عزم	انسان‌های صاحب عزم
۱- .....	۱- .....
۲- .....	۲- .....
۳- .....	۳- .....
۴- .....	۴- .....
.....	.....

عهد و میثاق میان انسان و خدا معمولاً در سه مرحله انجام می‌پذیرد :

### ۱- قدم گذاشتن در راه

فرد در این مرحله از عهد، جهت زندگی خود را مشخص می‌سازد و مسیر کلی آینده‌ی خود را معین می‌کند. ممکن است در ابتدای حرکت با دستورات الهی چندان آشنا نباشد و لذا در عمل به آن‌ها دچار خطاهایی شود. اما چون جهت اصلی را درست انتخاب کرده، به تدریج افکار و اعمال خود را اصلاح می‌کند و راه را هموارتر می‌سازد.

اعمالی که انجام آن‌ها لازمه‌ی پیمودن راه سعادت است و بدون آن‌ها این راه طی نمی‌شود «واجب» نام دارند و اعمالی که مانع پیمودن راه هستند و ما را از مسیر خوشبختی دور می‌کنند، «حرام» نام دارند. انجام واجبات و دوری از محرمات همان پیمودن راه رستگاری و کسب رضای خداست و محتوای اصلی همان عهدی است که انسان با خدا می‌بندد. اعمال دیگری نیز هستند که عمل به آن‌ها واجب نیست، ولی رفتن به سوی کمال را آسان‌تر می‌کنند و انسان را به درجات برتر رستگاری می‌رسانند، این اعمال را «مستحب» می‌گویند. اعمالی نیز هستند که گرچه مانع رسیدن به سعادت نمی‌شوند، اما از سرعت حرکت می‌کاهند و توفیق رسیدن به درجات برتر خوشبختی را از فرد سلب

می‌کند؛ این اعمال را «مکروه» می‌نامند. به جز این چهار مورد، کارهایی نیز در زندگی وجود دارند که نه واجب‌اند، نه حرام، نه مستحب‌اند، نه مکروه، مانند بازی کردن، قدم زدن، خوردن، خوابیدن، خریدن و فروختن. این اعمال را مباح می‌گویند. البته اصل انجام دادن یا ندادن این کارها مباح است. اما هر وقت خواستیم یکی از این کارها را انجام دهیم، باید احکام اسلامی مربوط آن‌ها را رعایت کنیم. مثلاً بازی مباح است، اما نه هر بازی؛ قماربازی حرام است و نمی‌توان آن را انجام داد.

## بیشتر بدانیم

در دوره‌ی راهنمایی درباره‌ی ضرورت مراجعه به یک فقیه دارای شرایط برای به‌دست‌آوردن احکام مطالبی خوانده‌اید. اکنون اضافه می‌کنیم که لازمه‌ی زندگی دینی، عمل به واجبات و دوری از محرمات است و راه شناخت آن‌ها برای کسی که خودش متخصص در احکام نیست، سؤال از متخصص است که او را «فقیه و مجتهد» می‌گویند. ضروری است با مشورت کسانی که در این موضوع آگاه هستند، یکی از فقیهان را به‌عنوان مرجع تقلید انتخاب کنیم و مطابق با دستورهای وی وظایف خود را انجام دهیم. برای آسانی و سهولت کار می‌توانیم کتاب «رساله‌ی توضیح المسائل» مرجع خود را تهیه کنیم و مطابق با آن عمل نماییم.

اگر در مسیر زندگی سؤال‌هایی در زمینه‌های مختلف برای ما پیش آمد، به کسانی که توانایی پاسخ‌گویی دارند، مانند دبیران دینی و قرآن و امام جماعت محل و مراکز مطمئن علمی مراجعه کنیم و سؤال خود را با آن‌ها در میان بگذاریم\*.

\* برخی از پایگاه‌های قابل استفاده عبارتند از:

www.Pasokhgoo.ir

۱- واحد پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم

www.Porsojoo.ir

۲- پایگاه پاسخگویی به مسائل دینی

www.andishe qom.com

۳- مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم

www.eporsesh.com

۴- پایگاه جامع پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی

www.womenrc.com

۵- دفتر مطالعات و تحقیقات زنان

www.Tebyan.net

۶- مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان

www.Porsemaneqarun.com

۷- مرکز فرهنگ و معارف قرآن

www.hawzeh.net

۸- پایگاه اینترنتی حوزه

www.Porseman.org

۹- معاونت آموزش و تبلیغ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

www.balagh.net

۱۰- پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ

## ۲- تجدید عهد

هر صبحی که از راه می‌رسد و سپیده سر می‌زند، آغاز یک زندگی جدید و فرصتی دوباره برای برداشتن گامی دیگر است. در هر بامداد، با قیام در برابر پروردگار، عهد و میثاق خود را تجدید می‌کنیم و قرارهایی را که میان خود و خدا گذاشته‌ایم مرور می‌نماییم. این تجدید میثاق روزانه، غفلت و سهل‌انگاری را می‌زداید و ما را در عمل ثابت‌قدم‌تر می‌نماید.

## ۳- تکمیل عهد

به تدریج که در راه زندگی پیش می‌رویم و عزم و پشتکارمان فزونی می‌گیرد، درمی‌یابیم که حرکت‌های جدیدی را می‌توانیم در وجود خود آغاز کنیم و صفات پسندیده‌ای را در خود تقویت نماییم یا صفت ناپسندی را از خود دور سازیم. به‌طور مثال، تصمیم می‌گیریم از وقت خود برای مطالعه و تفکر بیش‌تر استفاده کنیم، به والدین خود بیش‌تر احترام بگذاریم، به دیگران به‌ویژه بستگان و همسایگان، نیکی و احسان کنیم و نماز خود را در اوّل وقت بخوانیم. از همان روز برای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنیم و با خدا عهد می‌بندیم که در انجام آن‌ها کوتاهی نکنیم.

### نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

- ۱- کشف رابطه شرط و مشروط: به‌طور مثال، مشخص شد که شرط و لازمه‌ی وفای به عهد، بنابر آیات ..... است.
- ۲- دریافت پاسخ از آیات: مانند این سؤال که «قرآن کریم چه کرامت‌هایی برای حضرت ابراهیم ذکر می‌کند؟»، که پاسخ آن از آیات درس به‌دست آمد.
- ۳- ارتباط میان چند آیه: به‌طور مثال برای دریافت فضیلت‌های حضرت ابراهیم آیات ..... کنار هم قرار داده شد.



الف

- ۱- عزم چه رابطه‌ای با اختیار دارد؟
- ۲- چرا انسان‌های با اراده و مصمم را دوست داریم و از انسان‌های بی‌اراده خوشمان نمی‌آید؟

ب

در آیات مبارکه‌ی ۱۳۰ طه، ۱۷ لقمان، ۶۰ و ۶۱ یس، تدبیر نموده و بیان کنید که هر آیه بر کدام یک از مراحل سه‌گانه‌ی عهد ناظر است.

پیشنهاد




- ۱- اگر داستان‌هایی از زندگی انسان‌های با اراده و مصمم که در راه حق و حقیقت تلاش کرده‌اند، سراغ دارید، آن‌ها را یادداشت کنید و در کلاس برای دوستان خود بخوانید.
- برای تحقیق در این باره می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:
- ۱- خدا بود و دیگر هیچ، دکتر مصطفی چمران
- ۲- سفر به گرای ۳۷۰ درجه، احمد دهقان، سوره‌ی مهر
- ۳- مجموعه‌ی چلچراغ، انتشارات مدرسه
- ۴- رمز موفقیت بزرگان، رضا باقی‌زاده گیلانی
- ۵- مجموعه‌های: «نیمه‌ی پنهان ماه»، «اینک شوکران»، «به مجنون گفتم زنده بمان» از انتشارات روایت فتح

تصمیم



- با خود ببندیشید و مهم‌ترین پیمانی را که باید با خداوند ببندید، مشخص کنید و در جمله‌ای زیبا با او در میان بگذارید. سپس تعیین کنید که:
- ۱- در چه زمان‌هایی با خداوند تجدید عهد می‌کنید؟
- ۲- با چه عهد‌های دیگری آن را تکمیل می‌نمایید؟

## پایداری در عزم



چه بسا انسان در آغاز گام نهادن در راه زندگی، چنان عزم و اراده‌ی قوی نداشته باشد که بتواند هر تصمیمی را به موقع و همواره انجام دهد. بنابراین لازم است با استفاده از راه‌های مختلف تصمیم خود را تقویت کند و از عواملی که سبب ضعف آن می‌شوند دوری جوید. همان‌طور که اجرای برنامه و استمرار آن برای نفس اطمینان می‌آورد و شادابی و نشاط می‌بخشد، شکستن پیمان و خلف وعده، سستی اراده و ضعف نفس را در پی دارد و کار به جایی می‌رسد که شخص با خود می‌گوید: «من نمی‌توانم، من ضعیف هستم.»

به همین جهت لازم است بدانیم:

دوام و پایداری در عزم به چه عواملی بستگی دارد؟





آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... وَ سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ  
..... وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ  
..... أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

آل عمران، ۱۳۳

..... أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ  
وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ  
و آنان به سوی آن خیرات سبقت می گیرند.

مؤمنون، ۶۱

..... وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا  
..... أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

بقره، ۲۳۳

..... لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ  
..... وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ  
..... وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ  
و او دقیق و آگاه است.

انعام، ۱۰۳

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ

.....

كِرَامًا كَاتِبِينَ

(فرشتگان) بزرگواری که نویسندگان  
(اعمال شما) هستند.

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ

.....

انفطار، ۱۰ تا ۱۲

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ

.....

ثُمَّ اسْتَقَامُوا

.....

فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

.....

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

.....

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

.....

خَالِدِينَ فِيهَا

.....

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

.....

آحاف، ۱۳ و ۱۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

.....

وَالْعَصْرِ

.....

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ

.....

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا

.....

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

.....

وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ

.....

وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

.....

عصر، ۱ تا ۳

الْأَخْلَاءِ يَوْمَئِذٍ

بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ

إِلَّا الْمُتَّقِينَ

در آن روز، دوستان صمیمی

.....

.....

زخرف، ۶۷

ترجمه

به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

سارِعُوا : بشتابید	أُعِدَّتْ : آماده شده است	أَبْصَارُ : دیدگان
تُدْرِكُ : درک می‌کند	حَافِظُ : مراقب و ناظر	تَوَاصَوْا : یکدیگر راسفارش کردند
عَرَضُ : وسعت	خُسْرُ : زیانکاری	

پیام آیات

با تفکر و تدبّر در آیات قبل می‌توانیم به عوامل زیر برای تقویت عزم برسیم:

آیات:

۱- تسریع در انجام تصمیم

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

کسی که بر انجام کار خیری همت کرده، در عمل به آن تسریع کند و آن را به تأخیر نیندازد.<sup>۱</sup>

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۱۷

بسیاری از انسان‌ها چون در شرایط روحی و معنوی خاصی واقع شوند، تصمیم جدیدی می‌گیرند. به‌طور مثال، کسی که وضع نابسامان فقری را مشاهده می‌کند، تصمیم می‌گیرد بخشی از وقت خود را در راه کمک به نیازمندان اختصاص دهد، یا وقتی در حال و هوای شب‌های قدر قرار می‌گیرد و حال معنوی پیدا می‌کند، عهد می‌بندد که خطاهای خود را ترک نماید. در این میان، برخی از افراد هستند که چون از آن شرایط و حال و هوا بیرون آمدند، عزیمت سست می‌شود و تصمیم خود را فراموش می‌کنند. به همین خاطر نباید میان «تصمیم» و «عمل» فاصله بیفتد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده‌اند:

تأمل و درنگ از شتاب کردن بهتر است، مگر در فرصت‌هایی که برای انجام کار خیر به دست می‌آید.<sup>۱</sup>

## آیات:

## ۲- توجه به حضور در پیشگاه خداوند و فرشتگان

احساس حضور در پیشگاه با عظمت خداوند سبب می‌شود که او را ناظر بر اعمال خود ببینیم و از برداشتن قدم‌های مخالف با عهد و پیمان منصرف شویم. همچنین توجه به حضور فرشتگان که نویسندگان اعمال ما هستند، مانع نقض عهد و پیمان است.

## آیات:

## ۳- توجه به عاقبت و ثمرات پایداری در تصمیم

به یاد آوردن ثمره‌ی شیرین وفای به عهد و موفقیت‌های حاصل از آن و نیز توجه به عاقبت تلخ و تأسف بار شکستن پیمان، انسان را در عزم خود استوارتر می‌کند و نمی‌گذارد که پیمان شکسته شود و از دست برود.

همان‌طور که توجه به پیمان و عوامل تقویت‌کننده‌ی آن نتیجه بخش است، غفلت از آن‌ها نیز زیان‌آور است. غفلت، یعنی بی‌توجه بودن و سست شدن نسبت به هدف و راه رسیدن به آن و این را هم باید دانست که غفلت با فراموشی تفاوت دارد و لذا شخص فراموش کار مقصّر نیست. بلکه آن کسی سزاوار سرزنش است که فراموشی وی ناشی از غفلت و بی‌توجهی باشد.

غافل مباش از عاقلی، دریاب اگر صاحب‌دلی  
باشد که نتوان یافتن دیگر چنین ایام را

## ۴- داشتن دوست همفکر و همراه

### آیات:

بیش تر ما این تجربه را داشته ایم یا دیده ایم که وقتی تصمیم گرفته ایم شنا یاد بگیریم یا کوهنوردی کنیم یا کار مهمی را انجام دهیم، وجود دوستان همراه در پیشرفت کار و موفقیت ما مؤثر بوده است. تشویق دوستان، همراهی آنان با ما و نشان دادن راه حل های مناسب در مسیر کار سبب می شود که آن تصمیم بر ما آسان و با دلگرمی بیش تر راه را ادامه دهیم.

## ارتباط آیات



با تفکر در آیات سوره ی عصر و آیه ی ۶۷ سوره ی زخرف و برقراری ارتباط میان آن ها، سه پیام اصلی را که مربوط به همراهی دوستان است، استخراج کنید.

پیشوایان دین که اسوه های حقیقی ما در زندگی هستند و موفقیت آمیزترین زندگی را سپری کرده اند، ما را به رعایت اصول دیگری دعوت کرده اند که دو اصل از آن ها را در ادامه ی اصل های قبل می آوریم.

## ۵- رعایت اصل اعتدال

رسول خدا ﷺ به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«یا علی، این دین استوار و متین است. به نرمی و ملایمت در آن وارد شو و کاری نکن که نفس تو از عبادت پروردگارت متنفر شود.»

آن گاه با یک مثال، پرهیز از افراط و تفریط را این گونه توضیح داد:

«سوارکاری که به مرکب خود زیاد فشار می آورد، نه مرکب را حفظ می کند و نه خود مسیر را طی می نماید (و به مقصد نمی رسد)»<sup>۱</sup>

گاه فرد تصمیم به کاری می گیرد که فوق توان و طاقت اوست. همین امر سبب ناکام ماندن او می شود. بنابراین باید به توانایی جسمی و روحی خود توجه کنیم و تصمیم هایی متناسب با توانایی

خود بگیریم. در عبادت، کار، مطالعه، ورزش، بیدار ماندن، خوابیدن و هر کار دیگری رعایت اعتدال و میانه روی ضروری است.

## ۶- رعایت اصل تدریج و تداوم

رسول خدا ﷺ می فرماید :

محبوب ترین کارها نزد خدای متعال، با دوام ترین آن هاست، گرچه اندک باشد.<sup>۱</sup>

برای این که تصمیم های ما پابرجا بمانند و تا پایان زمان تعیین شده ترک نگردند، رعایت اصل تدریج ضروری است. تدریجی عمل کردن است که سبب دوام عمل می شود. برای مثال، اگر تصمیم داریم یک کتاب را مطالعه کنیم، بهتر است صفحات آن را به گونه ای تقسیم کنیم که خسته نشویم و پس از مدتی مطالعه در وجودمان به یک رفتار دائمی تبدیل شود.

رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود

رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

### نمونه هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

۱- استخراج پیام : به طور مثال، از آیات ..... اصل توجه به عاقبت و ثمرات پایداری در تصمیم استخراج شد.

۲- کشف ارتباط میان دو آیه : به طور مثال، با تفکّر در آیات سوره ی عصر و ۶۷ سوره ی زخرف این رابطه به دست آمد که .....

.....

۱- امالی سید مرتضی، ج ۱، ص ۴۱

## گام چهارم

### عهد بستن با خدا

خدایا!

آهنگ آن دارم که از امروز  
با همت خود به سوی انجام آنچه تو برایم  
می‌پسندی بروم و از آنچه تو نمی‌پسندی دوری نمایم.  
پروردگار من! با تو عهد می‌بندم در انجام واجبات  
و دوری از محرمات کوشا باشم.

ای خدای مهربان!  
از خطاها و لغزش‌های من در گذر و مرا در  
این راه یاری فرما!



- ۱- آیا علاوه بر عوامل ذکر شده در این کتاب، عامل یا عوامل دیگری برای تقویت عزم می‌شناسید؟ آن‌ها را بیان کنید .
- ۲- به نظر شما چه عواملی ممکن است تصمیمات زیر را تهدید کند؟ هریک را جداگانه بنویسید .

الف - خواندن نمازهای روزانه در اوّل وقت

ب - مطالعه‌ی کتاب‌های مفید در هر هفته به میزان هفت ساعت

ج - کمک به نیازمندان از طریق همکاری با مؤسسات خیریه

- ۳- چرا امام صادق علیه السلام می‌فرمایند «سزاوار است کسی که همت بر کار خیری کرده، در عمل به آن تسریع کند و آن را تأخیر نیندازد.»؟

### پیشنهاد



خود را ارزیابی کنید:

با بعضی از عوامل تقویت یا تضعیف عزم آشنا شدید. اکنون با توجه به آن عوامل، خود را ارزیابی کنید و ببینید کدام یک از عوامل تقویت عزم در شما قوی‌تر و کدام یک ضعیف‌تر است و چه موانعی در زندگی برای اجرای عهدهای خود دارید. نتیجه‌ی بررسی را برای خود یادداشت کنید و مواردی را که قابل بیان است، در کلاس به بحث بگذارید.